



همبستگی هفتگی ۱۹۱-۱۹۲

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۴

۱۳ مه ۲۰۰۵

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

Www.hambastegi.org

جمعه ها منتشر میشود

پناهندگی حق هر کسی است که از اسلام سیاسی و استبداد و بی حقوقی میگریزد

روز جهانی کارگر در گوشه و کنار جهان گرامی داشته شد



مارش عظیم در مرکز شهر استکهلم، در دفاع از حق اقامت هزاران نفر کیمیا پازوکی چهره سرشناس مدافع حقوق پناهندگی سخنران این میتینگ اعتراضی بزرگ بود.

روز ۷ ماه مه ، یکبار دیگر	سیاستهای ضد پناهندگی دولت	پناهندگی فراخوان این حرکت	پناهندگان ایرانی در راس این	حرکت بودند.
مرکز شهر استکهلم، شاهد	سوئد بود. ائتلاف متشکل از	بزرگ را داده بود و فعالین	حرکت بزرگ و یکی از ستونهای	
مارش بزرگ مردم معترض به	چندین سازمان مدافع حقوق	همبستگی - فدراسیون سراسری	اصلی سازمانده و پیش برنده این	ادامه در صفحه ۵

تعرض به حق پناهندگی در راس کمپین انتخاباتی بریتانیا

سیامک امجدی

مبارزه انتخاباتی در بریتانیا به	شرکت کرده اند یکی را انتخاب	مسئله پناهندگی و ارائه طرحها
روزهای پایانی خود نزدیک	کنند.	و برنامه های کاملا راسیستی و
میشود. قرار است روز ۵ مه،	یکی از موضوعاتی که احزاب	ضد پناهندگی است که آنان
مردم بریتانیا پای صندوقهای	اصلی، حزب لیبر و حزب	عنوان میکنند.
رای بروند و از میان احزاب	محافظه کاران، سر آن	
رسمی که در مبارزه انتخاباتی	جاروجنجال راه انداخته اند،	ادامه در صفحه ۳

تعرض عنان گسیخته دولت و کمیساریای عالی پناهندگان با پناهجویان در اندونزی میخواهند صدها نفر فراریان از ایران را به عراق بازپس بفرستند.

فاشیست اسلامی فرار کرده	من در عراق متولد شدم.
و پناهنده سیاسی هستم. در	اما دو سالم بود که به همراه
اندونزی با بررسی گذشته	خانواده امان به ایران رفته
های ما، به ما میگویند	و آنجا بزرگ شده ام.
عراقی	اکنون که از دست حکومت
ادامه در صفحه ۴	

سو استفاده مجاهدین خلق از نام فدراسیون
را محکوم میکنیم.

صفحه ۶

پناهندگی در کانادا

هومن راد

ص ۱۲

نگاهی به وضعیت
پناهندگی در
یونان

ص ۷



با سرکوب خونین انقلاب و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ویرای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدون ترین و انسانی ترین دست آوردهای بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم، نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی بدون نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود. بقول او: "دهه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است."

فعالین کمونیسم کارگری در تظاهرات اول مه در کشورهای مختلف

اول ماه مه در فضایی رزمنده و پرشور و شاد در اغلب کشورهای جهان گرامی داشته شد. ابعاد تجمع کارگران شاید بیش از سالهای گذشته نبود اما شعارهای ضد سرمایه داری بیشتر به چشم میخورد. کارگران و مردم در صفوفی هزاران نفره آمده بودند تا اعتراض خویش به نظم موجود، به جنگ و ترویس، به فقر و بیکاری را بیان کنند. در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان حضور فعالین کمونیسم کارگری به این جنبه سوسیالیستی و ضد سرمایه داری مارش و مراسم اول مه برجستگی بسیار بیشتری میداد. تصاویر مارکس و شعارهای زنده باد سوسیالیسم و "ما همچنان به تغییر جهان نیاز داریم" و "آزادی برابری حکومت کارگری" به تجمع اول مه جلوه ای بسیار رادیکال میداد:

آلمان:

در چندین شهر بزرگ و کوچک آلمان تجمعات و تظاهرات اول مه با شرکت وسیع کارگران و مردم برپا شد:

کلن: روز جمعه ۲۹ آوریل مراسم سخنرانی و جشنی به مناسبت روز جهانی کارگر در شهر کلن برگزار شد. این مراسم بطور مشترک توسط واحد حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق فراخوان و سازمان داده شده بود. محمد شکوهی و ستار چیمین تو

کارگران در ایران برای حاضرین سخنرانی کرد. مراسم با جشن و شادی ادامه یافت.

در روز یکشنبه اول مه تجمع بزرگی در میدان اصلی شهر برپا شده بود. در این محل میز اول مه توسط فعالین حزب با پوستره های مارکس و منصور حکمت و نشریات به زبانهای مختلف، و تی شرتها و سنجاقت سینته های مارکس توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود.

اسن: روز جمعه ۲۹ آوریل تجمعی به مناسبت اول مه در خانه حزب در این شهر صورت گرفت که علی محسنی و حیدر گویلی اعضای کمیته مرکزی حزب در آن سخنرانی کردند و از وضعیت جنبش کارگری و اول مه سخن گفتند.

پدربورن: روز جمعه ۲۹ آوریل تجمعی به مناسبت اول مه در این شهر صورت گرفت که در آن محمد آسنگران عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری سخنرانی کرد و مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. در روز یکشنبه اول مه یک میز کتاب که نشریات مختلفی به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فارسی را عرضه میکرد مورد توجه و مراجعه شمار زیادی از شرکت کنندگان در تجمع اول مه قرار گرفت.

برلین: تظاهراتی به فراخوان اتحادیه دگ ب در میدان Rote روئی شهناز مرتب عضو کمیته مرکزی حزب پیام حمید تقوایی لیبر حزب را برای حاضرین خواند و در رابطه با مبارزات

برپا کرده بودند و شمار زیادی اعلامیه و نشریه در میان جمعیت پخش شد. یک تظاهرات و تجمع دیگر نیز در میدان Kreuzberg توسط گروههای دیگری برپا شده بود که در اینجا هم نشریات و اعلامیه های حزب پخش شد.

کاسل: سازمان دهنده اصلی راهپیمایی و تظاهرات در کاسل اتحادیه کارگری دگ ب و حزب چپ داس بودند که هزاران نفر در آن شرکت داشتند. واحد حزب کمونیست کارگری در کاسل فعالانه در این تظاهرات شرکت داشت و میز کتاب و نشریاتی که از طرف رققای حزب برپا بود مورد استقبال زیاد شرکت کنندگان قرار گرفت.

هامبورگ: در محل تجمع اتحادیه های کارگری از طرف اعضا و فعالین حزب غرفه اطلاعاتی برپا شد که با عکسهای مارکس و منصور حکمت تزئین شده بود و محل مراجعه شمار زیادی از مردم بود. در این روز تعداد زیادی اعلامیه های حزب به مناسبت روز جهانی کارگر به زبانهای آلمانی، فارسی و انگلیسی در بین تظاهر کنندگان پخش شد.

بورن: در خیابانهای اصلی شهر یک راهپیمایی با شکوه با شرکت هزاران نفر از کارگران و مردم با شعارها و پلاکاردهای بسیاری صورت گرفت. تظاهر کنندگان علیه فقر، علیه زدن از تأمینات اجتماعی، علیه سرمایه، و علیه شرودر و حزب حاکم شعار میدادند.

پرچمهای سرخ با تصاویر

مارکس و منصور حکمت در تظاهرات برجسته بود و نشان از حضور فعال کمونیستهای کارگری میداد. در محل تجمع تظاهر کنندگان نیز شعارهای سوسیالیستی با برجستگی به چشم میخورد. یک میزکتاب توسط فعالین حزب برپا شده بود که بسیاری بدان مراجعه میکردند و نشریات و کتاب و پوستر میخواستند. خبرنگاران نیز توجه زیادی به شعارها و پرچمهای سوسیالیستی داشتند. در تصویری که یکی از روزنامه های پرتیراژ برمن منتشر کرده بود عکسهای مارکس و منصور حکمت و شعارهای سوسیالیستی با برجستگی و به تعداد زیاد توجه برانگیز بود.

بوخوم: در مرکز تجمع تظاهر کنندگان اول ماه مه غرفه نشریه و کتابی توسط فعالین و دوستان حزب برپا شده بود. تعداد زیادی اطلاعاتی از حزب به اعضای حزب در میان جمعیت توزیع شد.

همچنین در شهر لایپزیگ یک راهپیمایی و تجمع با شرکت تعداد زیادی از کارگران و مردم صورت گرفت و فعالین و کادرهای حزب در آن با شعارها و پرچمهای سوسیالیستی شرکت داشتند و اعلامیه های زیادی میان مردم توزیع شد. گزارش مشروح تر از این شهرها و شهرهای دیگر را به محض دریافت اضافه خواهیم کرد.

ترکیه

آنکارا: در راهپیمایی روز اول ماه مه در آنکارا- ترکیه کارگران

و دهها حزب و سازمان سیاسی از جمله اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری ایران شرکت نمودند. راهپیمایی اعضا و دوستداران حزب در این مراسم با حمل پرچمهای "زنده با اول ماه مه" و آرم حزب، به همراه پلاکاردهای مارکس و منصور حکمت و شعارهای سوسیالیستی در مسیر راهپیمایی مورد توجه وسیع مردم و خبرنگاران قرار گرفته بود. خبرنگاران گزارش و عکس و فیلم تهیه میکردند. کانال تلویزیونی ترک تی وی با یکی از فعالین مصاحبه ای انجام داد. چندین روزنامه و رسانه مختلف ترکیه از حضور برجسته فعالین حزب رپرتاژ پخش کردند. روزنامه پرتیراژ ترکیه بنام "رادیکال" در روز بعد از تظاهرات از "حضور کمونیستهای ایرانی در تظاهرات اول مه در آنکارا" بطور برجسته ای گزارش منتشر نمود.

سوئد:

گوتبرگ: در میدان "یرن توریت" در مرکز شهر جمعیت زیادی گرد آمدند. سخنرانان مختلف علیه نظام سرمایه داری و نظم نوین و تعرضات به حقوق کارگران سخن گفتند. اسماعیل مولودی عضو کمیته مرکزی حزب یکی از سخنرانان بود. همچنین ترانه حسینی بیانیه سازمان جوانان کمونیست در مورد اول مه را برای حاضرین بازگو کرد. به علاوه فعالین حزب یک چادر اطلاعاتی و میز کتاب جالب برپا کرده بودند که مورد مراجعه بسیاری از مردم قرار گرفت. اعلامیه ها و نشریات زیادی در میان مردم پخش شد. پروین کابلی در طول مراسم اطلاعیه حزب و همچنین بندهایی از برنامه حزب به زبان سوئدی را برای مردم خواند. در لایلهای مراسم موزیک و سرود انترناسیونال پخش میشد.

استکهلم: اول ماه امسال با

استقبال کم نظیری روبرو بود. نسبت به سال گذشته رنگ اعتراضی و رادیکالتری داشت. سرود انترناسیونال. سرود مارسیز، سرودهای کموناردها و انواع سرودهای علیه سرمایه داری و برخی از ترانه های جوهیل، در خیابانها طنین انداخته بود. در استکهلم بطور سنتی در مناطق مختلف شهر توسط گروههای سیاسی مختلف جمعیتی صورت می گیرد، جریانات چپ عمدتاً به سمت میدانی در مرکز شهر راهپیمایی می کنند. این راهپیمایی امسال بطور چشمگیری وسیع تر و پر جنبش و جوش تر از قبل بود. شعارها امسال رادیکال تر شده بود: "سوسیالیسم یک ضرورت است"، "بدون سوسیالیسم جهان تیره است"، "علیه فقر"، اقامت فوری برای کودکان آباتی و اقامت برای کلیه پناهندگان قبل از تغییر سیستم قانون پناهندگی، پیش از سال ۲۰۰۶ از شعارهای قابل مشاهده در این تظاهرات بود. شعارها و کاریکاتورهای زیادی نیز علیه بوش و نظم نوین به چشم میخورد. میزهای اطلاعاتی ما با دهها پرچم و شعارهای اول ماه مه. آرم حزب در قطع بزرگ چند متری بسیار جلب توجه میکرد. شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری بر سردر غرفه و میزکتاب پر رونق و انواع نشریات حزب، کتابهای حزب به زبانها فارسی، سوئدی و انگلیسی و به همراه سنجاق سینه های مارکس و منصور حکمت با نوید تغییر جهان چشمگیر بود. مراجعه به غرفه های حزب گرم و پر رونق بود. تی شرت های مارکس طرفداران زیادی داشت. سازمان آزادی زن و جمعهای آزادی زن نیز با میز کتاب جداگانه ای به معرفی سازمان آزادی زن، اهداف و مطالبات آن پرداختند. نهاد اول کودکان در ادامه کمپین بین

المللی برای نجات جان کودکان مبتلا به «آباتی - درخودماندگی» با برپایی غرفه اطلاعاتی و جمع آوری امضا و جلب توجه افکار عمومی به میرمیت وضعیت اسفبار این کودکان، غرفه ای پر مراجعه داشت. در شهرهای مالمو و بوروس، یوله، هلسینبورگ، بودن و برخی شهرهای دیگر سوئد نیز راهپیمایی و تجمعات اول مه صورت گرفت و فعالین حزب میزهای کتاب و نشریات ویژه اول مه را برپا داشتند. گزارش مشروحتر جداگانه منتشر خواهد شد.

کانادا:

تورونتو: شنبه ۳۰ آوریل مراسم باشکوه اول ماه مه، در محل شهرداری نورت یورک تورونتو برگزار شد. در این مراسم که همراه با سخنرانی، پخش فیلم مستند و موزیک بود در فضایی کاملاً شاد و صمیمانه روز جهانی کارگر توسط حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق گرامی داشته شد. در این گردهمایی پرشکوه در ابتدا فیلم مستند "تصاحب" ساخته اوبی لويس که در مورد جنبش اشغال کارخانجات توسط کارگران در آرژانتین است، پخش شد. سپس سرود انترناسیونال به زبانهای مختلف پخش شد. در ادامه شخصیت های مختلف و سرشناسی سخنرانی کردند. حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران یکی از این سخنرانان بود که با نقد سرمایه داری و نظم نوین جهانی و عواقب و عوارض فاجعه بار آن نتیجه گرفت که پاسخ بشریت به این اوضاع سوسیالیسم است. دیگر سخنرانان عبارت بودند از: دیوید بلیکلی نماینده اتحادیه سراسری پست کانادا، آزاد حمه کریم عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق،

جان کلارک شخصیت سرشناس جنبش علیه بی مسکنی و فقر در کانادا و رهبر ائتلاف علیه فقر در استان اونتاریو، دیوید بلیکلی نماینده اتحادیه سراسری پست کانادا.

ونکوور: روز ۳۰ آوریل در "نورث ونکوور" مراسمی به مناسبت اول مه و به فراخوان تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق برپا شد. این مراسم مورد پشتیبانی اتحادیه کارگران بیمارستانها در بریتیش کلمبیا و همچنین سازمان "هیچکس غیر قانونی نیست" قرار گرفت. سخنرانان این مراسم عباس محمدی کادر حزب کمونیست کارگری ایران عضو اتحادیه کارگران ماشین سازی و عضو شورای کارگران ویکتوریا سردار عبدالله کادر و از رهبران سرشناس جنبش کمونیسم کارگری عراق، فهیمه صادقی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان و کادر حزب کمونیست کارگری ایران و همچنین مصطفی صابر عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و سر دبیر نشریه جوانان کمونیست بودند. در روز اول مه راهپیمایی در مرکز شهر ونکوور بر پا شد حزب کمونیست کارگری ایران یکی از برگزار کنندگان و سازماندهندگان این راهپیمایی بود، مارش امسال در مرکز شلوغی و اصلی شهر صورت گرفت و توانست یکبار دیگر ثابت کند روز اول ماه مه خیابانها از ان ماسهت. کانالهای تلویزیونی متعددی از این مراسم گزارش تهیه کردند.

مونترال: به دعوت سندیگاهای کارگری و احزاب مترقی راهپیمایی عظیمی در گرامیداشت روز جهانی کارگر در شهر مونترال کانادا برگزار گردید. در این راهپیمایی جمعیتی بالغ بر بیست هزار تن

شرکت داشتند. اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در اتاوا و مونترال نیز با بنر حزب، بنر آزادی، برابری، حکومت کارگری، پلاکاردهایی در بزرگداشت روز جهانی کارگر و پرچمهای مارکس در این راهپیمایی شرکت نمودند. راهپیمایی حوالی ساعت ۱۲ ظهر با گرد آمدن تظاهر کنندگان در مقابل دفتر نخست وزیری استان کبک آغاز شد. بنر حزب که به شعار آزادی برابری حکومت کارگری میزن بود و پرچمهای مارکس توجه زیادی را به خود جلب میکرد، پیش از اتمام راهپیمایی پلیس ویژه ضد شورش با باتوم و سلاحهای سرد دیگر به گروهی از تظاهرکنندگان حمله کرد. این حمله مورد اعتراض شرکت کنندگان قرار گرفت و کار به درگیریهایی کشید و سوت کشیدن و اعتراض جمعیت به پلیس را برانگیخت. راهپیمایی در جوی پرشور و در هوایی خوب حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر در خیابان سن دنی مقابل دانشگاه مونترال به پایان رسید.

بریتانیا:

لندن: از ساعات اولیه صبح کارگران و مردم بتدریج در میدان Clewkrkenwell و در برابر "کتابخانه مارکس" جمع شدند. راهپیمایی از ساعت یک بعد از ظهر در خیابانهای اصلی شهر به طرف میدان "ترافالگار" شروع شد. هزاران نفر آمده بودند. در میدان ترافالگار سخنرانان مختلف علیه نظم نوین آمریکا و مشقات سرمایه داری و زدن از حقوق کارگران سخن گفتند. در میان جمعیت تعداد زیادی پرچمهای سرخ، تصاویر مارکس، پوستهای منصور حکمت و شعارهای سوسیالیستی بیانگر حضور کمونیستهای کارگری بود. میز کتاب حزب مورد مراجعه تعداد زیادی از مردم بود که نشریات و

اعلامیه و کتاب میخواستند. تعدادی برای خرید پرچمهای مارکس و سنجاق سینه های مارکس مراجعه میکردند. صدها اعلامیه و نشریه در مورد وضعیت کارگران در ایران و علیه سرمایه داری در میان مردم توزیع شد.

نروژ:

اسلو: روز شنبه ۳۰ آوریل در برابر پارلمان نروژ در اسلو یک غرفه اطلاعاتی که به بازدید کنندگان در مورد اول مه، مسائل مبرم کارگران و وضعیت جنبش کارگری در ایران اطلاع میداد برپا شد و چندین ساعت مورد مراجعه شمار زیادی از مردم بود. روز یکشنبه راهپیمایی بزرگی با شرکت هزاران نفر از کارگران و مردم در

خیابانهای اصلی شهر اسلو صورت گرفت. سخنرانان در اینجا هم علیه تعرضات دولتها و سرمایه داری سخن گفتند. غرفه اطلاعاتی حزب در محل این تجمع با شعارهای سوسیالیستی و پوسترهای مارکس و منصور حکمت و کتابها و نشریات گوناگون مورد مراجعه شمار زیادی از مردم بود. ی لی مورد مراجعه بسیاری از مردم بود.

هلند:

روتردام: از ساعت ۲ بعد از ظهر جمعیتی بیش از هزار نفر که در برابر شهرداری این شهر گرد آمده بودند شروع به راهپیمایی کردند و علیه نظام سرمایه داری و نظم نوین و تروریسم شعار دادند. حضور فعالین حزب با شعارهای

سوسیالیستی و تصاویر مارکس و منصور حکمت آشکارا برجسته بود. صدها اعلامیه در مورد وضعیت کارگران در ایران، و همچنین علیه حکم اعدام کبرا رحمانپور در میان جمعیت پخش شد. یکی از فعالین حزب در محل تجمع به زبان هلندی در مورد اول مه و مبارزات کارگران در ایران سخنرانی پرشوری کرد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. میز کتاب حزب مورد مراجعه تعداد زیادی از مردم بود و به سوالات آنها در مورد جنبش اعتراضی در ایران و مسائل مختلف پاسخ داده میشد

آمریکا:

دالاس: به ابتکار فعالین حزب در این شهر، در پارک "راسل

پرسش و پاسخ در باره کودکان آپاتی در سوئد!

چاره کار کدام است؟



سمینار یکروزه ۲۶ آوریل، توسط نهاد کودکان مقدمند و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با شرکت سرشناس ترین چهره های پناهندگی احزاب پارلمانی سوئد در محل جلسات هفتگی فدراسیون در استکهلم برگزار گردید. جمع قابل توجهی برای شنیدن نظرات این الیت سیاسی پارلمان سوئد و مناظره بر سر مسائل پناهندگی و مشخصا اقامت کودکان مبتلا به «آپاتی - در خودمانده» در سالن گرد آمده بودند. پس از پیروزی درخشان تظاهرات بزرگ ۲۱ آوریل، و اعلام خشم و نارضایتی عمومی از وضعیت پناهندگی در سوئد و تمایل عمومی جامعه به اقامت عمومی به کلیه پناهندگان تا پایان سال ۲۰۰۶، این جلسه از ویژگی خاصی برخوردار بود.

حضور چهره های درجه اول مسایل پناهندگی در سوئد در زیر یک سقف، برای پرسش و پاسخ و ارائه راه حل درخورد امر مهمی به شمار می رفت. یوته والسستروم از حزب حاکم سوسیال دمکرات، گوستاو فریدولین از حزب محیط زیست، فردریک فدرلی از حزب

مرکز، آنه ماریه اکستروم از حزب لیبرال مردم، آنیتا دوراسیو چهره سرشناس و جنجالی مدافع حقوق پناهندگی از نهاد کودکان مقدمند و کمیته پناهندگان «Asyl Kommitte»، سون بروس از حزب سوسیال مسیحی، کیمیا پازوکی از فدراسیون سراسری پناهندگان

ایرانی - استکهلم و کریم شامحمدی از نهاد کودکان مقدمند.

مناظره با طرح سئوالات کلیدی راه چاره احزاب توسط کیمیا پازوکی آغاز گردید. و سپس نمایندگان احزاب با ارائه راه حلهای خود به نقد نظرات و افشای سیاستهای یکدیگر پرداختند. حضور قدرتمند مردم و طرح سئوالاتی که چهره واقعی و پس پرده احزاب را نمایان می کرد از جنجالی ترین بخشهای این جلسه پرشور بود.

تراژدی پناهندگی درسوئد، چهره دورویانه سیاستهای پناهندگی دولت سوئد، بی اعتنائی آشکار دوائر و ادارات پناهندگی، آبروریزی های مداوم ادار اتباع بیگانه و اداره مهاجرت سوئد، و نقش منفی و سیاستهای منفور وزیر امور مهاجرت و نیز سیاستها و تانیهای احزابی که خود را مدافع حقوق پناهنده جلوه می دهند، از دیگر مسایل مهم مطرح شده در این سمینار یکروزه بود. خواست بدون قید و شرط اقامت به کودکان مبتلا به

در میان مردم توزیع شد.

سوئیس:

زوریخ: از ساعت ۹٪۵ صبح تجمع مردم برای اول مه آغاز گردید و هر دم بر تعداد جمعیت افزوده میشد. راهپیمایی حوالی ساعت ۱۱ شروع شد. قریب ۵۰ هزار نفر در راهپیمایی شرکت داشتند. فعالین حزب کمونیست کارگری فعالانه در تظاهرات شرکت نمودند. بعد از گذشتن از خیابانهای اصلی شهر جمعیت در میدان "هلویز پلاتز" گرد آمدند و قطعنامه ای را در دفاع از حقوق کارگران و مردم به تصویب رساندند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۰۵ - ۱۲ اردیبهشت
۱۳۸۳

«آپاتی» واقامت عمومی و قانونی کلیه پناهجویان تا پایان سال ۲۰۰۶ مهمترین خواستههایی بود که با استدلالهای قوی و دندان شکن از سوی مدافعان حقوق پناهندگی مطرح میشد.

برای دیدن مشروح این سمینار موفق و موثر، فیلم مستند این سمینار در سایت اینترنتی کودکان مقدمند، «www.barnenfors.t.com/index.htm» قابل دسترس است. بخشهای مهمی از این مناظره پرشور در توسط کیمیا پازوکی به فارسی ترجمه شده است.

کودکان مقدمند

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - استکهلم

۲۷ آوریل ۲۰۰۵، سوئد

مارش عظیم در مرکز شهر استکهلم، در دفاع از حق اقامت هزاران نفر

ادامه از صفحه اول

شدن و پذیرش حق اقامت برای



انسانیت و دفاع از حقوق انسانی زنده است. فدراسیون سراسری

پناهجویان مخفی در کشور سوئد است. مردمی که دست در

بیش از هزار نفر در این راهپیمایی با شکوه شرکت کرده و با حمل پلاکاردها و سر دادن شعار و یا انجام سخنرانیهایی متعدد از حق اقامت چندین هزار نفر پناهنده دفاع کردند که در اثر سیاستهای ضدپناهندگی دولت سوئد مجبور به زندگی مخفی شده و در بدترین شرایط و در ناامنی کامل در کشور سوئد زندگی میکنند. ائتلاف "امنستی ۲۰۰۵" متشکل از سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی است و خواهان قبول

حرکات بزرگ، دست سازمان دهندگان فعالیت‌های چشمگیر اخیر در سوئد را به گرمی می فشارد و معتقد است درسها و تجارب این حرکات بزرگ میتواند راهنمای عمل ما در همه جا شده و جنبش دفاع از حقوق انسانی پناهندگان را گامها به پیش ببرد.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۱۰ ماه مه ۲۰۰۵

پناهندگان ایرانی در سوئد در حرکات اعتراضی بزرگ دو ماهه اخیر کاملاً درخشان و با سازمان دادن میتینگ بزرگ بیش از دو هزار نفر در ۲۱ آپریل، با تحمیل عقب نشینی به دولت سوئد در مورد کودکان مبتلا به آباتی و با شرکت فعال در حرکت اعتراضی ۷ ماهه و با سازمان دادن یک مبارزه اجتماعی عظیم در دفاع از حقوق انسانی پناهندگان علاقه و سمپاتی و احترام میلیونها نفر را بخود جلب کرده است. دبیرخانه سراسری همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دست همه فعالین این

استانداردهای حقوقی و قضایی است. این همان فاجعه انسانی است که سیاست پناهنده پذیری سوئد نام دارد! بنابراین دولت موظف است قبل از انحلال اداره اتباع بیگانه تمامی قربانیان این سهل انگاری و لاپالایی گری آشکار را رسماً قانوناً بپذیرد!

حضور ما در عرصه مبارزه علنی و رو در رو با دولت، منجر به پذیرفتن اقامت قانونی برای پناهندگان خواهد شد. بنابراین ما باید تا گرفتن اجازه اقامت عمومی برای این پناهندگان، در خیابانها بمانیم و بجنگیم!

اعتراض نمی کردید، کماکان همین کودکانی که امروز حکم اخراجشان متوقف گردیده، دست و پابسته دیپورت می شدند. پس به قدرت خودمان باور کنیم! به اینکه ما میتوانیم با اعتراض های وسیع و قدرتمند، دولت را به زانو درآوریم!

سال ۲۰۰۱، پارلمان سوئد با توجه به کمبودها و کم کاریهای در اداره اتباع بیگانه، رای به منحل شدن این نهاد داد. در آستانه سال ۲۰۰۶، می گویند که شاید، این سازمان تعطیل شود. سرنوشت هزاران پناهجویی که از کشورهای دیکتاتوری از اعداها، سنگسارها و خفقان سیاسی گریخته اند، هنوز و هنوز در نهادهای تصمیم گیری می شود که پارلمان سوئد، رسماً معترف است که فاقد

خواهد شد! این کمپین تا حصول نتیجه قطعی، ادامه خواهد یافت.

حامی اعتماد

نماینده فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در شبکه «Amnesty 2005» استکهلم

متعدد برای حاضرین سخنرانی کردند. جمعیت حاضر علیرغم بازندگی شدید، همچنان پیگیرانه به حضور قدرتمند خود ادامه دادند.

قطعنامه این تظاهرات مبنی بر درخواست اقامت قانونی و دائم برای پناهجویان با فریادهای تایید حاضرین در میدان مورد تصویب عموم قرار گرفت.

اعلام شد که این قطعنامه روز نهم ماه مه به پارلمان سوئد ارائه

کنم که عقب نشینی دولت به علت سردرگمی اداره اتباع بیگانه در بررسی مشخص پرونده این کودک بوده است.

برعکس؛ معتقدم که فشار جنبشهای بزرگ اعتراضی مردم در همین دوران اخیر، دولت را وادار به عقب نشینی آشکار کرد. این نتیجه مستقیم حضور بی وقفه شما آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر است! اگر شما در میدان نبودید و به نقض خشن حقوق بشر

فاجعه انسانی میتواند باشد. اما به ناگهان همین هفته پیش، اداره اتباع بیگانه برای بررسی پرونده یک کودک آباتی دست به دامن دولت می شود و ادعای سردرگمی در حل مسئله این کودک می کند. چند ساعتی نمی گذرد که دولت اعلام می کند، اخراج تمامی کودکان ثبت شده مبتلا به آباتی تا اطلاع ثانوی لغو گردیده است. من حتی یک سرسوزن هم باور نمی

همین یکسال پیش بود که کودکان مبتلا به آباتی را دست و پا بسته و زنجیر شده به برانکار دیپورت می کردند.

با ضرب و شتم بیرحمانه، پناهجویان را در قسمت بار هواپیما، می بستند و دیپورت می کردند.

همین یک ماه پیش بود که وزیر اداره مهاجرت «باربر هولمبری» ادعا کرد که دادن اقامت عمومی به کودکان مبتلا به آباتی شروع یک

دفاع از حقوق انسانی پناهندگان را سر دادند! در صفوف فشرده خیابانهای مرکزی شهر استکهلم را پیمودند و خواستار اقامت قانونی پناهجویان در سوئد گردیدند!

دسته موزیک سامبا با نواختن طبل در پیشاپیش این تظاهرات قدرتمند، شور و هیجان فراوانی در خیابانهای شهر استکهلم ایجاد کرد.

نمایندگانی از احزاب و نهادهای دفاع از حقوق پناهندگی در دفاعات

گزارش برگزاری کمپین دفاع از حقوق پناهندگان «Amnesty 2005»

پیشبرد اهداف این شبکه کوشید. اولین تظاهرات خیابانی این شبکه، با یک راهپیمایی با شکوه و قدرتمند و تجمع در دو میدان مرکزی شهر استکهلم انجام گردید. علیرغم هوای بشدت بارانی، انبوه کثیری از مردم همصدا باهم فریاد

پس از یک دوره پرتلاش برای جلب افکار عمومی و دفاع از حقوق پناهندگی، شبکه «Amnesty 2005» تشکیل شد. از بلو تشکیل این نهاد، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، فعالانه برای

تعرض عنان گسیخته دولت و کمیساریای عالی پناهندگان با پناهجویان در اندونزی

من در عراق متولد شدم. اما دو سالم بود که به همراه خانواده امان به ایران رفته و آنجا بزرگ شده ام. اکنون که از دست حکومت فاشیست اسلامی فرار کرده و پناهنده سیاسی هستم. در اندونزی با بررسی گذشته های ما، به ما میگویند عراقی هستید، برگردید به عراق، حکومت جدید در عراق دمکراسی است و شما میتوانید در آنجا زندگی کنید!!!!

این سرگذشت يك و یا دو نفر نیست. صدها نفر فراریان از

ایران که اکثرا کرد هستند، با چنین وضعی رو در رویند. دولت اندونزی قصد دارد با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان این افراد را به عراق باز پس بفرستد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در ارتباط مداوم با این پناهجویان بوده و سعی دارد کمک کند تا پرونده این افراد مجدداً بازگشایی شده و ترتیب انتقال آنها به يك کشور امن داده شود.

توجهیاتی که کمیساریای پناهندگان سازمان ملل و دولت

اندونزی برای اخراج این پناهجویان اعلام کرده اند. توجهیاتی مسخره و غیر انسانی است. این افراد که در ایران زندگی کرده و تعدادی از آنها هیچ خاطره ای از عراق ندارند، کسانی را که بیش از سی سال در ایران ساکن بوده و شهروند ایران بوده اند، اکنون به بهانه اینکه پدر بزرگها و مادر بزرگهایشان از عراق آمده اند، به جهنم عراق باز پس می فرستند. با این توجه که عراق مهد دمکراسی شده است!!!

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ضمن محکوم کردن این رفتار غیر انسانی با صدها پناهجوی ساکن اندونزی، از

مقامات مسئول در این کشور میخواید فوراً ترتیب انتقال این افراد به يك کشور امن دیگر را بدهد.

روز ۱۲ ماه مه، پس فردا قرار است تعدادی از ایرانیان ساکن در جاکارتا، به نمایندگی از طرف فدراسیون با شینگ کیو مسئول کمیساریای عالی پناهندگان در اندونزی ملاقات و در مورد این اوضاع با آنها مذاکره کنند. دبیرخانه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی منتظر پاسخ رسمی کمیساریای عالی پناهندگان در مورد این مذاکره است. در صورت عدم پذیرش این پناهجویان بعنوان پناهنده سیاسی و عدم

ترتیب انتقال آنها به يك کشور امن در اروپا و غیره، ما در سطح بین المللی يك کمپین جهانی علیه این رفتار بیشرمانه دولت اندونزی و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان خواهیم داد. در اطلاعیه های بعدی اخبار نتایج مذاکرات با شینگ کیو مسئول کمیساریای عالی پناهندگان در اندونزی را به اطلاع خواهیم رساند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۹ ماه مه ۲۰۰۵

سو استفاده مجاهدین خلق از نام فدراسیون را محکوم میکنیم.

اخیراً و در چند روز گذشته، در کشور آلمان افرادی از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران با معرفی خود به اسم فعالین فدراسیون به تعدادی از

پناهجویان در آلمان مراجعه کرده و از آنها دعوت کرده اند که در جلسه ای در شهر برلین در هفته آتی شرکت کنند. بدین وسیله به اطلاع عموم

میرسانیم که این میتینگ و یا جلسه هیچ ارتباطی با همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آلمان ندارد.

ما این رفتار زشت برگزار کنندگان جلسه را که با استفاده از نام فدراسیون سعی در قانع کردن افراد و کشاندن آنها به جلسه خود در برلین را دارند، محکوم میکنیم. یکباردیگر به اطلاع همه پناهجویان و مردم در آلمان میرسانیم که جلسه برلین از

طرف فدراسیون نیست و ما اصولاً این روش یعنی جمع آوری شماره تلفنهای شخصی افراد و ایجاد مزاحمت برای آنها را غیر اصولی دانسته و هیچگاه با این روشها مردم را به میتینگ و یا جلسه دعوت نکرده ایم.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان

قابل توجه علاقمندان آثار منصور حکمت!

جلد ۱ مجموعه آثار منصور حکمت، مارکسیسم انقلابی ۱، در دست انتشار است و بزودی کار چاپ آن به پایان میرسد. این جلد به آثار منصور حکمت در سال های ۱۳۵۹-۱۳۵۷ اختصاص دارد. این کتاب يك گنجینه غنی و باارزش از تئوری مارکسیستی و کاربست پراتیک این تئوری است. بعلاوه، این کتاب يك اثر تاریخی نیز هست. با خواندن آن يك تصویر روشن از مباحث کلیدی و معضلاتی که جنبش چپ و کمونیستی در دهه ۷۰ میلادی، بویژه در کشورهای باصطلاح جهان سوم با آن درگیر بود بدست می آید. در عین حال تصویری گویا از مسائل انقلاب ۱۳۵۷ در ایران ارائه میدهد.

این آثار بخش مهمی از تاریخ کمونیسم در ایران است. مطالعه این مجموعه بویژه برای نسل جوان ایران که بطور گسترده ای به مارکسیسم روی آور شده است، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

علاقمندان تهیه این کتاب میتوانند از هم اکنون این کتاب را پیش خرید کنند. بهای آن معادل ۱۲ پوند، ۱۹ یورو و ۲۴ دلار آمریکا است.

بنیاد منصور حکمت
آذر ماجدی
azarmajedi@yahoo.com

بنیاد منصور حکمت برگزار میکند کنگره اول منصور حکمت

بدینوسیله به اطلاع میرسانیم که بنیاد منصور حکمت در صدد است تا اولین کنگره منصور حکمت را در ماه اکتبر سال ۲۰۰۵ برگزار کند.

هدف از برگزاری کنگره بازخوانی منصور حکمت و تلاش برای شناسایی و معرفی این مارکسیست و متفکر بزرگ دوران معاصر به جامعه و جهانیان است.

این کنگره دو روز به طول خواهد کشید و در اروپا برگزار میشود. در این دو روز مجموعه ای از سخنرانی و سمینار همراه با پرسش و پاسخ در مورد جوانب متعدد نقش و در افزوده های منصور حکمت، ارائه داده خواهد شد.

از تمامی علاقمندان دعوت میشود تا تم ها و پیشنهادات مورد نظر خود را برای بررسی به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایند.

بنیاد منصور حکمت متعاقباً اطلاعات دقیقتر پیرامون زمان و چگونگی برگزاری این کنگره را به اطلاع عموم خواهد رساند.

آذر ماجدی
رئیس بنیاد منصور حکمت
۱۱ مه ۲۰۰۵
Azarmajedi@yahoo.com

نگاهی به وضعیت پناهندگی در یونان

احمد شفقت

مسئولین محترم همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در جهان با سلام احتراماً با عرض تبریکات صمیمانه خود به مناسبت سال جدید آرزومند سال نو بهار بیداری امت ایران و برچیده شدن نظام ظلم و ستم و اختناق آخوند های تروریست و خونخوار از سر مردم ایران باشد . مبارزان راه آزادی و نجات ایران و ای مدافعین به حق دفاع از حقوق پناهندگان؛ آرزومندم که همواره و همچون سالیان قبل در این راه خطیر موفق بوده باشید این جناب لازم دانستم قدری از وضعیت تاسف بار پناهندگان در کشور یونان را به آگاهی برسانم تا شاید بتوان به یاری شما عزیزان، مسئولان و مدافعان در خواب منشور جهانی بشر سازمان ملل متحد و دیگر نهاد هاهای دفاع از حقوق بشر را متوجه شرح وظایفشان در قبال پناهندگان در این کشور نمود. دراینجا ما شاهد دردها و رنجهای فراوان زنان و مردان و

کودکان پناهندگان میباشیم. بد بختانه عملکرد نهادهای مسئول در قبال پناهندگان بسیار بی رنگ است. هیچ نهادی مسئولیت مستقیم این افراد را به گردن نمیگیرد که به یکدیگر پاس میدهند. سازمان جی سی ار که ظاهراً مسئول سامان دادن به سیل پناهندگان میباشد به دلیل فقر مالی طبق اظهارات خودشان عملکرد بسیار کندی دارد و تنها بخش فعال این سازمان، وکلای دلسوز آن است و بس. ولی این امر به تنهایی دردی را از پناهنده دوا نمیکند. تعدادی برگه های آدرس و کروی چند کلیسا روی میز مسئولین وجود دارد که هر پناهنده در وقت مراجعه از مسئولین میپرسد چه کار باید بکنیم چه باید بخوریم یا کجا باید بخوابیم!!! مسئول در به دری های ما در این کشور کیست!!! هیچ جواب مثبتی نمیشوند. و تنها یکی از آن برگه های آدرس کلیسا به او داده میشود که بروید و در این کلیسا ها غذایی بخورید.

به راستی در این سرزمین مدعی دفاع از حقوق بشر و عضو پارلمان اروپا و امضا کننده پیمان ژنو و مسئول دفاع از سامان دادن به سیل پناهندگان چه کسی است!!! صفهای طولانی مردم و خانواده پناهندگان در بعضی از کلیساها و موسسات خیریه آمریکایی و کانادایی برای خوردن وعده های غذا، گویا بی توجهی به پناهندگان سرگردان در این کشور است. ما با چشمان خود تقسیم کیسه های خواب توسط بعضی از سازمان های خیریه را شاهد هستیم و این امر تنها به دلیل بی سرنوایی سیل عظیمی از پناهندگان است. خوابیدن در کنار خیابان ها متداول است. پناه به خانه های فرسوده و مخرب بدون آب و برق امری عادی شده. در این کشور پناهنده وقتی خودش را معرفی میکند، کارتی برایش صادر میکنند و میگویند برو و برای خود زندگی کن. این که کجا برود و کجا بخوابد و شکم خود را چگونه سیر کند برای هیچ

کس اهمیت ندارد. سیل پناهندگان در سراسر این کشور در گوشه خیابان ها دست فروشی میکنند. شاید از این طرق بتوانند شکم های خود و خانواده را سیر کنند. یا خانه ای اجاره کنند. در آن چند کمپ کوچک که مملو از پناهنده است بعضی از مواقع از طرف جی سی آر خانواده ای که سرگردانی شان زیاد مشهود است با گریه و زاری و خواهش و تمنا برای چند روزی به مسافر خانه فرستاده میشوند. ولی همچنان برای سیر کردن خود باید منتظر باز شدن درهای کلیسا یا موسسات خیریه باشند. آن هم در هفته فقط چند نوبت. این بی توجهی به پناهندگان نقش کامل کنوانسیون جهانی سازمان یو ان و بر خلاف عهد نامه ژنو میباشد. به عقیده من وجود چنین مشکلات فزاینده ای را باید اول در تعطیل و غیر فعال بودن دفتر یو ان در این کشور دانست. وقتی این نهاد اعلام میکند ما تعطیل هستیم و هیچ خدماتی نمیتوانیم به پناهندگان بدهیم، از دیگر نهادها چه انتظاری میتوان داشت. دوم اینکه ما علناً مشاهده میکنیم کشور خوب یونان با مردم بسیار خویش و رهبران سیاسی

دموکرات آن به شدت با بحران مالی روبرو هستند. در اینجا یک سوال مطرح است این کشور بابت نگهداری پناهندگان مطابق منشور جهانی حقوق بشر بوده ای دریافت میکنند. چرا این مصیبت بزرگ و بی توجهی برای پناهندگان وجود دارد؟ این بودجه چه میشود؟ چرا هیچ نهاد جهانی براین مخارج نظارت ندارد؟ اگر در این خصوص بودجه ای دریافت نمیدارد چرا در این خصوص به نهاد های جهانی اعتراض نمیکند؟ از طرفی چرا اجازه نمیدهد پناهندگان گرسنه و بی جا و مکان این کشور را به قصد دیگر مملکت های مترقی ترک کنند؟

در پایان میطلبید سازمان جهانی همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی فریاد پناهندگان را به گوش نهاد های مدعی دفاع از حقوق پناهندگان برساند. با آرزوی آزادی

چهارم ژوئیه؛ های گیت لندن

به یاد ژوبین عزیز اجتماع میکنیم!

۴ ژوئیه ۲۰۰۲، جنبش کمونیستی طبقه کارگر ضربه سنگینی خورد. در اینروز، کمونیسم معاصر رهبر سازش ناپذیر و استراتژیست تیزهوش خود، منصور حکمت (ژوبین رازانی) را از دست داد. او تنها

۵۱ سال زیست و سرطان امانش نداد تا نتایج کار و تلاشش را در عروج کارگر زیر پرچم کمونیسم و سوسیالیسم در قلب ارتجاع سرمایه داری ببیند. منصور حکمت سخنگوی پرشور آزادی و رهائی بشر و پرچمدار انقلاب و

سوسیالیسم در دنیای سیاه و مملو از مشقت سرمایه داری امروز بود. او جهان را به سوسیالیسم فراخوان میداد چون عمیقاً بر این باور بود که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به یک

منجلاّب تبدیل میشود. فقدان ژوبین عزیز، چه در قلب تک تک ما و چه در عرصه سیاسی و مبارزاتی حفره ای پرشدنی است. در سومین سال درگذشت منصور حکمت، بدعوت آذر ماجدی روز شنبه دوم ژوئیه ۲۰۰۵، در گورستان های گیت لندن اجتماع میکنیم و با گلباران بنای یادبودش، ضمن ادای احترام به این رهبر برجسته رهائی بشر، با آرمان والایش تجدید پیمان میکنیم. در همان روز مراسم یادبود منصور حکمت در سالنی ادامه خواهد یافت.

حزب کمونیست کارگری از دوستداران منصور حکمت و جنبش کمونیسم کارگری، از سوسیالیستها، آزادیخواهان و انساندوستان برای شرکت در مراسم یاد بود دعوت میکنند. یاد منصور حکمت را با عزم و اتحاد برای زیر و رو کردن این جهان وارونه گرامی بداریم!

**حزب کمونیست کارگری
ایران**

۱۱ مه ۲۰۰۴

تعرض به حق پناهندگی در راس کمپین انتخاباتی بریتانیا

سیامک امجدی

ادامه از صفحه اول



کنند. آنها هم از محدودیتهای بیشتر در پروسه پناهندگی حرف میزنند، از انجام پروسه پناهندگی خارج از مرزهای اروپا حرف میزنند، اما تفاوتشان با محافظه کاران در این است که آنها اجرای این طرح را منوط به پشتیبانی دول دیگر اروپایی کرده اند، آنها هم از لزوم تجدید نظر در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو حرف میزنند. این احزاب شمشیرهایشان را از رو بسته اند. تصمیم آنها جدی است و میخواهند میخ آخر را به تابوت حق پناهندگی بزنند. برای آنها اصلا مهم نیست که به اجرا در آمدن این سیاستها راست و راسیستی چه فاجعه انسانی را میتواند بدنبال داشته باشد، برای آنها اصلا مهم نیست که با پیش بردن این طرحها، تا چه اندازه زندگی انسانها را در معرض

حزب محافظه کار صراحتاً اعلام میکنند که امضای دولت بریتانیا را از پای کنوانسیون ژنو میخواهد بردارد، پروسه پناهندگی را با مشارکت و یا بدون مشارکت دیگر دول اروپایی در خارج از مرزهای اروپا انجام خواهد داد، محدودیتهای پیش برای پناهنده بوجود خواهد آورد و به وزارت کشور برای بازداشت و دیپورت پناهجویان ردی قدرت بیشتری خواهد داد و کنترل را در مرزها افزایش خواهد داد. حزب لیبر هم با سیاستها و طرح های کاملاً مشابه به طرح محافظه کاران به میدان آمده است.

حزب لیبر با ارائه یک طرح پنجساله در صدد است پروسه پناهندگی را در انگلیس کاملاً فرمایشی و قلبی

میداشتند و کنوانسیون ژنو را باد میزدند و این دول خود را ملزم به اجرای کنوانسیون ژنو میدیدند به این دلیل است که از یک سو این کنوانسیون ابزاری برای نمایش و پز دفاع از حقوق بشر غرب در مقابل بلوک شرق بود و از سوی دیگر جذب نیروی کار ارزان مورد نیازشان را از کشورهای موسوم به جهان سوم فراهم میکرد.

اما امروز وضع کاملاً فرق میکند. پناهنده در دنیای امروز محصول سیاستهای مستقیم و غیر مستقیم دول غربی در اینجا و آنجا دنیاست. پناهنده در دنیای امروز محصول نظم نوین جهانی به سرکردگی آمریکا است. خیلی طبیعی است که فراریان از جهنمهای را که خود این دولتها در بوجود آوردنش نقش اساسی دارند را نپذیرند و مانع از ورودشان به غرب شوند. مسئله کار ارزان را هم با سیاست مهاجرت کنترل شده میروند که حل

خطر جدی قرار میدهند. برای آنها اصلا مهم نیست که انسانها زندان، شکنجه، اعدام و سنگسار شوند یا در قربانی جنگهای قومی و مذهبی شوند، چون از نظر آنان هیچکدام از این انسانها "پناهنده واقعی" نیستند. واقعیت این است که نیاز سیاسی غرب به کنوانسیون ژنو به پایان رسیده است و امروز به صراحت از برچیدن آن و بستن درهایشان به روی پناهنده ها حرف میزنند. کنوانسیون ژنو برای اینها ارزش مصرفی معینی داشته و دارد. اگر تا دیروز درها را به روی پناهنده باز نگه

کنند. قرار است این سیاست نیروی کار ارزان و ماهر را به غرب بیاورد و نه پناهجویان فراری از بمب و اعدام و ترور را. این یکی از دلایل عمده ایست که میبینیم که در طول سالهای اخیر حمله به حق پناهندگی ابعاد خیلی وسیعی پیدا کرده است.

سیاستهای احزاب راست انگلیس کاملاً راسیستی، غیر انسانی است. یک اعلام جنگ علنی به حق پناهندگی است. تصمیمشان جدی است و عملی نکردن آن در گرو به میدان آمدن یک جنبش قوی و سازمان دادن یک اعتراض وسیع است. باید مبارزه برای حق پناهندگی را به خیابانهای انگلیس کشاند. و این کار بزرگی است که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد انگلیس در تدارک انجام آن است. به ما بپیوندید تا صدای اعتراضمان را هرچه رساتر به گوش دولت انگلیس و قانونگذاران این کشور برسانیم.

کشورهای پناهنده پذیر زندان دوم ما پناهجویان

پویا لدنی



قوانین ضد انسانی و ضد پناهندگی و ازهمه شرم آورتر رابطه دوستانه این کشورهای به اصطلاح انساندوست با جانیان جمهوری اسلامی که مسبب مرگ هزاران انسان هستند، محیط و جوی را برای ما درست میکنند که کمی از زندان روانی ندارد. فرستادن پناهندگان به مناطق پرت و دور از هرگونه امکانات اولیه زندگی و آگاه نکردنمان از حقوق اجتماعی و پناهندگیمان و برخوردهای غیرانسانی اداره خارجیها و دادگاه ها با پناهندگان و ترتیب دادن قوانین ضد

باید از ما حمایت میشد تبدیل شد به زندان دیگر با ترور روحی و به بازی گرفتن زندگی و روح و روان و جان ما. بلی این کشورهای به اصطلاح انساندوست با روح و جسم ما پناهندگان بازی کرده و این احساس را به ما نمیبخشند که ما نجات پیدا کردیم و برعکس احساس بی امنیتی به ما میبخشند و روزانه باید با کابوس برگردانده شدن به جهنم جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم کنیم. محدودیت ها و به رسمیت نشناختن ما و نیشخندها از طرف اجتماع و

از چشم جهانیان پوشیده نیست که جمهوری اسلامی در طول مدت حکومت خود چه جنایاتی را مرتکب شده و میشود و باید روزی جوابگوی این جنایات باشد. در این میان تعداد زیادی کشته شدند و تعدادی به عنوان پناهجو از این جهنم فرار کرده و برای نجات جانشان و نشان دادن مخالفت و همکاری نکردن با جمهوری اسلامی به کشورهای به اصطلاح انساندوست پناهنده شدند. ولی این خروج هم ورودی بود به زندان دیگر. در جایی که

چیست؟؟؟؟

یک پناهنده، یک انسان مبارز است که از زندان و جهنم جمهوری اسلامی فرار کرده است و یک عضو فعال در عرصه مبارزه میباشد. چرا نباید به رسمیت شناخته شود. هیچکس به فکر ما نیست. ما باید از این حق انسانی مان دفاع کنیم و مقاومت کنیم و اجازه ندهیم بیشتر از این با زندگی و روح ما بازی شود. آنان باید بدانند که ما انسانیم و باید به حقوق انسانی ما توجه شود و حق پناهندگی را که حق انسانی ماست به ما بدهند.

پناهندگی و دیپورت کردن گوشه بی از این مشکلات است. من به شش هشت سال است که شاهد این بیعدالتی هستم و با این ترس روز را به شب میرسانم و در متن تمدن و انسان دوستی از ترس مرگ و برگردانده شدن وبی امنیتی با روح و جسم بازی میشود. پس این حقوق انسانی که از ش صحبت میکنند کجاست. معنی همکاری این کشورها با جمهوری اسلامی و باز گرداندن پناهندگان به ایران

حق پناهندگی دادنی نیست، گرفتنی است



مصاحبه همبستگی هفتگی با فریبا عزتی

همبستگی: خانم عزتی، می‌خواهم از شما سؤال کنم که حدوداً چه مدتی است که از دولت سوئد درخواست پناهندگی کرده‌اید؟

فریبا عزتی: با سلام و خسته نباشید خدمت همه دست اندرکاران نشریه همبستگی و خوانندگان محترم این نشریه. من همراه پسر ۱۰ ساله ام مدت ۲۳ ماه است که از دولت سوئد درخواست پناهندگی کرده ام.

همبستگی: چرا نمی‌خواهید به ایران برگردید؟

فریبا عزتی: من اتفاقاً قصد دارم به ایران برگردم اما زمانی که در آنجا زندانی سیاسی وجود نداشته باشد. زمانی که زنان از حقوق برابر برخوردار باشند و به جرم زن بودنشان سنگسار نشوند و یا هنگام گرفتن طلاق، فرزندان خود را از دست ندهند.

همبستگی: ممکن است بتوانید دلایل پناهندگی خود را توضیح دهید؟

فریبا عزتی: دلایل درخواست من عمدتاً از ۲ بخش تشکیل شده، ۱- مشکلات خانوادگی که در زندگی مشترکم داشتم. ۲- اظهار افکار و عقاید انتقادی نسبت به دین اسلام و رژیم اسلامی حاکم بر ایران که این را بصورت یک کتاب در سوئد به چاپ رسانیده ام و هم اکنون در کتابخانه‌های گوتنبرگ در معرض فروش میباشد.

همبستگی: چند روز پیش در تماس تلفنی که با دفتر فدراسیون داشتید، اعلام کردید که اداره مهاجرت سوئد به درخواست پناهندگی شما پاسخ منفی داده است. چرا؟

فریبا عزتی: بله؛ همینطور است. جواب آنان به درخواست من، مثل بسیاری از متقاضیان واجد شرایط پناهندگی دیگر منفی بوده است. در جوابیه ۱۲ صفحه‌ای آنان به من، برخورد غیر انسانی و دور از قوانین حقوق بشر آنان، ناباورانه بود.

در مورد مشکل خانوادگی ام، مرا ارجاع دادند به قوانین خانواده موجود در جمهوری اسلامی و اینکه من میتوانم این دعوی را به دادگاه خانواده جمهوری اسلامی و دادخواست خود را آنجا ارائه دهم!!

پاسخ من به آنان و همه دست اندکاران اداره مهاجرت این بود که اگر من قوانین جمهوری اسلامی را محق میدانستم و آن را بر مبنای حقوق اولیه بشر میدیدم، دچار جنون نبودم که رنج فراوان راه را بر خود و فرزندم تحمیل کرده و با مشکلات بسیار خود را به اینجا برسانم. اگر من می‌توانستم حق انسانی خود را در آنجا بگیرم، چه دلیلی داشت که محل زندگی خود و عزیزانم را در آن کشور رها کنم و خود را به دریایی بی انتها بزنم.

من همیشه اعتقاد بر این بوده که تک تک افراد بشر اگر در کشور محل زندگی خود دارای امنیت و آسایش بودند، به هیچ وجه حاضر به قبول شرایط سخت پناهندگی نمی‌شدند.

با همه این تفاسیل، من رنج ۸

سال زندگی شکنجه وار زندگی مشترک را در ایران تحمل کردم و از آنجا خارج نشدم تا هنگامیکه بدلیل نوشته‌های انتقادیم به مذهب، جانم به خطر افتاد و ناچار بر ترک ناگهانی کشور شدم. اکنون این نوشته‌ها تحت نام «دین از منظری دیگر» بصورت یک کتاب چاپ شده و در دسترس عموم میباشد.

اداره مهاجرت در جوابیه خود گفته است: "مسئله مطالب این کتاب خوشایند مسئولین جمهوری اسلامی نخواهد بود. اما چون شما شخصیت شناخته شده‌ای برای جمهوری اسلامی نیستید و رهبریت هیچ حزب و گروهی را دارا نمی‌باشید، بنابراین جان شما در برگشت به ایران به هیچ وجه در خطر نیست. شما میتوانید با خیال آسوده برگردید." پاسخ آنان به من بیشتر مضحک است تا باورکردنی.

از آنان می‌پرسم: مگر هر حزب و دسته و گروه مخالف یک رژیم، چند رهبر و لیبر دارد که باید حتماً یکی از آنان بود تا واجد شرایط زنده ماندن و اقامت گرفتن گردید؟ پس این همه هوادار احزاب مختلف که مجری عقاید رهبران‌شان هستند و به عنوان مختلف کشته میشوند جانشان به پیشیزی نمی‌آرزند!!!!

اداره مهاجرت سوئد در حالی این حرفها را میزند که تمام دنیا میدانند که ایران به بزرگترین زندان خبرنگاران و نویسندگان و سرکوب هر نوع آزادی خواهی تبدیل شده است. خود دولت سوئد میدانند که بیشترین گروه

از پناهندگانی که پس از پاسخ منفی، راضی به زندگی رقت بار مخفی میشوند و اما به کشور خود برنمیگردند، ایرانیان هستند. برای دولتهای غربی سود سرمایه و روابط اقتصادی با یک رژیم جنایتکار از نوع جمهوری اسلامی مهمتر است. عده زیادی هر روز و هر شب در ایران بازداشت میشوند. شکنجه میشوند و در نهایت کشته میشوند. تک تک ما در مقابل این وضعیت مسئول هستیم. ما اینجا آزادی که حرف بزیم و از هر طریق ممکن برای آزادی مردم ایران از رژیم اسلامی تلاش کنیم.

از نظر من برای کسانی که راه بازگشت به ایران را ندارند هیچ فرقی نمیکند که یکبار منفی بگیرند یا هزار بار، باید همچنان بر تصمیم خود برای گرفتن حق پناهندگی مبارزه کنند. یک انسان تا زمانی میتواند برای جامعه اش و هم نوعانش مفید باشد که زنده باشد و مبارزه کند. من معتقد نیستم که در راه آزادی باید کشته شد، بلکه باید در راه آزادی زنده بود و مبارزه کرد. این روش درست زندگی است.

در حال حاضر جز عده بسیار اندکی همه دارند جواب منفی میگیرند. ما وظیفه داریم برای آزادی و خوشبختی خود و آیندگان مبارزه کنیم و حرفمان را به کرسی عمل بنشانیم. "حق پناهندگی دادنی نیست، گرفتنی است." و ما باید این حق اولیه زنده بودن را به هر طریق ممکن بگیریم.

یکی از راههای رسیدن به این هدف اتحاد و همبستگی

ایرانیان مقیم اینجاست. منظورم نه پناهندگان متقاضی پناهندگی، بلکه به ساحل نشستگان طوفان بلا و مصیبت میباشد. منظورم افرادی است که مانند ما روزی پناهنده بوده و سخت یا آسان توانستند جان سالم از رژیم بدر ببرند و اکنون در امنیت جانی مناسب در اروپا زندگی میکنند. متأسفانه این یک واقعیت تلخ است که بغیر از سازمانها و نهادهای معدودی مثل فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که در شرایط سخت به داد پناهندگان میرسند. عدم همبستگی ما در یاری رسانی و همدلی و ایجاد اتحاد با هم یکی از بزرگترین مشکلات ماست.

اینان که به ساحل امنیت رسیدند فراموش کردند یا میخواهند فراموش کنند که هنوز عده‌ای در آن گرداب دست و پا میزنند و در حال غرق شدند. دردناکتر از همه عدم رعایت حق و حقوق انسانی از جانب دولت سوئد، بی توجهی به این همه انسان فراری و در به در از جانب دولتهای اروپایی جان پناهجویان را به لبشان رسانده است. امیدوارم که وجدان انسانیشان بیدار شود و دست یاری بسوی دستان دردمند پناهجویان دراز کنند. نجات ایران بستگی به یاری و همدلی همه ایرانیان دارد.

زنده باد اتحاد و همبستگی پناهجویان برای رسیدن به حقوق انسانیمان

ما فعالین سیاسی و پناهنده هستیم، نه آواره و اغتشاش گر

حمید نیک بین - بختیار میرزایی

چند روز پیش در سایت پناهجو مطلبی به چاپ رسیده است که نویسندگان آن دو نفر از نمایندگان بنیاد نوروز بنامهای کریم فخره پور و علی جوانردی در ترکیه هستند. اول وقتی اسامی نویسندگان را دیدیم برایمان مهم نبود، چون اینها حداقل برای پناهندگان شمال عراقی انقدر شخصیت‌های شناخته شده‌ای هستند که فکر نمیکنیم نظر ایشان هم مورد اهمیت واقع شود. ولی برای کسانی که این دو نفر را نمی‌شناسند و مطالب را خواندند لازم دانستیم توضیحات مختصر و کوتاهی را بدهیم.

میرسیند. حالا جالب اینجاست که از این عمل کثیف، غیر سیاسی و ضدانسانی هم اکنون هم با افتخار یاد میکنند.

بعد از پایان بدون نتیجه تحصن تمام متحصنین به حقانیت گفته‌های فعالین فراسیون پی بردند و خیانت آنان برای همگی مشخص شد. شاید در عراق و در میان پناهندگانی که از شمال عراق آمده‌اند، تعداد فعالین فراسیون کمتر باشد. اما این بدان معنا نیست که شما حقانیت دارید.

بلکه نشان میدهد جماعتی عشیرایی مثل خودتان در اربیل و سلیمانیه حکم میرانند که آنها هم دمکراسی را دقیقاً به سبک و سیاق شما اجرا میکنند و تحمل نظرات و مخالفت و منتقدین خود را ندارند. از نظر شما و آن جماعت، فراسیون چون بر طبق خواسته آنان سخن نمیگفت غیر قانونی بود. فعالین آن رسماً مورد اذیت و تهدید جانی قرار گرفتند. پخش نشریات فراسیون در شمال عراق ممنوع شد و اعضای فراسیون در جلوی یو ان با نقشه قبلی کتک کاری میشدند و قانون دمکراتیک حاکم در شمال عراق حق را به اوباشان چماق بدست داد. چون خودی بودند.

بلستور اطلاعات ایران و جلال طالبانی، کمونیست‌ها را در روز روشن و در خیابانها محاصره و قتل عام کردند و سپس پیام رسمی تبریک از طرف جمهوری اسلامی برای انجام این اقدام دمکراتیک به اتحادیه میهنی کردستان ارسال شد. این مسائل فقط به دلیل عدم قبول نظرات، مخالفت و انتقاد از شما بود. چون بینش سیاسی ناشسته و ندارد و محدود نگر هستید و قادر به پاسخ قانع کننده به مسائل را ندارید. چون ریگ به کفش دارید. این واقعا پرویی میخواید که بگویید و افتخار کنید که ما چون دمکرات هستیم و

دمکراسی طلب پس نظرات مخالفین را قبول نداریم باز با وجود تعداد محدودمان در عراق قبول کنید که همیشه وزنه سنگینی در معادلات داشتیم. تا جایی که خود شما به چماق و چاقو متوسل شدید نه به رای و نظر مردم و پناهندگان. توصیه میکنیم که از این کلمات عشیرایی چهار نفر و نصفی و یا ما زیاد هستیم و شما کم، دست بکشید. چون فقط نشانگر کوتاه فکریتان در همه عرصها است. این سیاهی لشکر نیست که نقش رهبری و هدایت کننده را دارد. بلکه توانایی سیاسی، قدرت تحلیل و برخورد منطقی به مسائل موجود میباشد که شما متأسفانه از آن بی بهره و عاجزید و خیلی بازاری و کاسب‌کرانه با مسائل برخورد میکنید. ضمناً اگر قصد پیش کشیدن بحث اکثریت و اقلیت را دارید با صراحت میگوییم که ۹۰٪ شمال عراقها با شما، عقاید، اهداف و فعالیتها نیستند. شما را قبول ندارند. کسی دنبال شما و اهدافتان راه نمی افتد. چون شما امتحان خود را پس داده اید و بهتر است خود را به مابقی نجسپانید.

در گوشه دیگری از اطلاعاتتان به این نکته اشاره کردید که ما جورج بوش و نمایندهای سنای آمریکا را حتی در تلویزیون هم ندیده ایم تا چه رسد به ملاقات حضوری. این جمله را وقتی خواندیم هیجان و اشک شوق کودکانه تان از این ملاقات بهمین مالی زاده با یکی دو نفر از منشی‌ها و مسئولین امریکایی را کاملاً حس کردیم. شما همیشه چشم به راست ترین سیاستمداران دوخته اید. اینگونه ماماشات‌ها و لاس زدنهای پنهان و آشکار سیاسی با راست ترین جریانات سیاسی در سنت سیاسی شما امری جا افتاده و از کارکتر پلتیک تان تفکیک ناپذیر است. شما دو بار رهبران تان را با همین هیجانات و

شوق های کودکانه زیر تیغ جمهوری اسلامی فرستادید. به ملاقات های مالی زاده با یکی دو کارمند و منشی و شاید سناتور جمهوریخواه می‌باید. بدون آنکه مجبور شوید به صدها کودک گیر افتاده شمال عراقی توضیح دهید اینگونه ملاقات‌ها چند مثقال به نفع پناهندگان شمال عراقی بوده. در سنت سیاسی شما، راست‌ها همیشه نجات بخش اند. اما در دنیای واقعی پناهندگی حتی در گوشه ذهن خود شما، آن زمان که پول‌های دریافتی از بهمین جان تان ته میکشد، این امید زنده میشود که فقط چپ‌ها آنهم از نوع حزب کمونیست کارگری و فراسیون هستند که میتوانند شما را از خطر دیسپورت نجات دهند. و مشکل انتقال پناهندگان را حل کنند. لطفاً این قهر سناتورهایتان را به رخ ما نکشید. این سناتورها تا کنون حتی در نجات یک تک پناهنده هم موثر واقع نبودند. این را خود شما بهتر از مالی زاده و سناتورهایش میدانید.

بهمین مالی زاده در اطلاعاتیه تاریخ ۲۶-۴-۲۰۰۵ لیستی از اسامی و دیدارهای خود را نوشته است و این بیانیه را قبل از دیدارش با وزرات کشور ترکیه که وعده داده بود را نوشته و هدفمندانه مسائلی را مطرح کرده که کاملاً به ضرر پناهندهای شمال عراقی است. در آن به شمال عراقیها فراخوان داده بود که اغتشاش و آشوب نکنند چون من دنبال کارهایتان هستم (حالا کارهایمان از نظر او چیست بماند) بهمین مالی زاده و همکارانش در این کمپین نه تنها دلشان به حال این پناهندگان نسوخته بلکه به دنبال نان و نوابی از این طریق هستند. از طرف دیگر ایشان با این کمپین خود تلاش میکنند تا چنین وانمود سازد که پناهندگان شمال عراقی از فقر گریخته و آوارگان اقتصادی میباشند. ایشان کمپین جمع آوری لباس کهنه و

دادن مواد غذایی به هر نفر به میزان ۱۰ دلار را در دستور کار میگذارند و از طرف دیگر تلاش میکنند تا پناهندگانی که میخواهند برای حقوق خود مبارزه کنند اغتشاش گر و آشوبگر بنامند. ایشان میخواهد تمام انگیزه های سیاسی پناهندگان شمال عراقی را با مقصداری غذا و لباس لاپوشانی کند. این پیش از اینکه اقدامی برای کمک به پناهندگان باشد یک کمپین معین سیاسی علیه پناهندگان شمال عراقی است. در مورد بهمین مالی زاده اگر لازم باشد به تفصیل خواهیم نوشت و قضیه و کیل گرفتن و پولهای هنگفتی را هم که با نام شمال عراق گرفته و بالا کشیده را افشا خواهیم کرد.

در پایان ما خطاب به پناهندگان شمال عراقی که همگی مان در برابر یک مشکل و بلاتکلیفی مشترک قرار گرفته‌ایم اعلام میکنیم که این اشخاص با قصد و نیت پلید خود می‌خواهند در میان پناهندگان شمال عراقی تفرقه انداخته تا بهتر به اهداف خود برسند. ضمناً در دنیا، انسانهای شریفی وجود دارند که حاضر هستند که با این گروه در به شمر رسین پروسه پناهندگی مان از نظر حقوقی کمک کنند و نباید اجازه دهیم اشخاصی از این احساسات پاك و همردی سو استفاده کرده و برای پر کردن جیب خود انرا به حس ترحم تبدیل کنند و ما پناهندگان سیاسی را آوارگان اقتصادی و کسانی که از مدنیت خارج هستند، معرفی کرده و مبارزات بر حق ما را بعنوان آشوب و اغتشاش لقب دهند. این اعمال نه تنها هیچ کمکی در بهبود وضعیت ما ندارد بلکه کاملاً به ضرر ماست چون افرادی که از شمال عراق وارد ترکیه شده‌اند انسانهایی هستند که سالیانی از عمر خود را آگاهانه و در احزاب سیاسی علنی، علیه جمهوری اسلامی فعالیت داشته‌اند و لقب آواره و اغتشاش گر شایسته این گروه نمیباشد و لازم است با کسانی که چنین اهدافی را دارند برخورد کنیم و اجازه ندهیم که از این جو سو استفاده کنند.

تحركات اخير (شرکت خصوصی) بنیاد نوروز علیه پناهندگان

بابک شدیدی

تقسیم میکنند و آن را به بدل به خوراک تبلیغاتی برای پر کردن جیب خود کرده اند. هر روزه در بین پناهجویان وعده کمک های مالی و جنسی و غیره را میدهند ، ولی هیچ گاه آنها را دعوت همبستگی و متشکل شدن در برابر سیاستهای ضد پناهندگی یوان و دول غربی نمیکند ، هیچ گونه کمک حقوقی به پناهجو نمیکند ، در برابر دیپورت پناهجو به جمهوری اسلامی هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نمیدهند و همه مشکلات پناهجو را میخواهند در مسایل اقتصادی خلاصی کنند و بگویند پناهجویی که سالها در برابر جمهوری اسلامی و این نظام

سراسری پناهندگان ایرانی و حزب کمونیست کارگری ایران کرده اند و در برنامه بهروز صور اسرافیل به فحاشی علیه فدراسیون و حزب کمونیست کارگری مشغولند. اینها در حرکات جدید خود و نفوذ بین پناهندگان موسوم به شمال عراقی و با وعده و وعید های بی اساس باعث در گیری عده ای از پناهندگان شده اند . بدون اجازه از پناهجویان فیلم تحصن پناهجویان جلوی دفتر سازمان ملل در سالهای گذشته در اربیل عراق را در تلویزیون خود پخش کرده و پناهجویان را آواره کرد قلمداد میکنند و علنا انسان های فراری از جمهوری اسلامی را به کرد و عرب و ترک و غیره

بنیاد نوروز يك شرکت !!! بیزینسی وابسته به رضا پهلوی و سلطنت طلبها است و ازطرف آنها ساپورت میشود . جالب اینجاست که جدیدا بنیاد نوروز و بهمین مالی زاده در تلویزیون پارس برنامه آقای صور اسرافیل را ساپورت میکنند و این را به صورت زیر نویس در تلویزیون پارس به نمایش میگذارد . آقای صور اسرافیل هم که شخصیتی شناخته شده در به کار بردن الفاظ رکیک تا تقسیم کردن انسانها به کرد و لر و عرب و و ساختن وطن و میهن و خاک پاک برای خود است . این اقایان که از خشم مردم در انقلاب ۵۷ فرار کرده اند ، نوک حملات خود را متوجه فدراسیون

کثیف ایستاده و مبارزه کرده مشککش ۱۰ میلیون لیر ترک و ۴ دلار است . نه! اقایان این گونه نیست !!! باید به این آقایان گفت که همین چند هفته قبل به فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد و همبستگی و اعتراض هزاران پناهجو در برابر سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد خیابان های استکهلم زیر پای این گریختگان از جمهوری اسلامی ایران و افغانستان به لزه در آمد و اولین میوه و ثمره اش لغو دیپورت ۴۸۰ کودک مبتلا به بیماری آپاتی به کشورهای خود شد . این انسانها زیر چتر و پرچم فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی جمع شدند و این حرکت بزرگ را در دفاع از حقوق انسانی پناهجویان رقم زدند . آقای مالی زاده ، شما و بنیاد

نوروزتان برای نجات جان پناهجو ها از دیپورت به کشورهای اسلام زده و دیکتاتوری چه کرده اید!!! جز اینکه با نمایش فیلم عده ای انسان گریخته از ظلم و ستم و اسلام سیاسی در ایران آنها را آواره کرد !!! خطاب میکنید و به فکر جمع کردن پول و زدن آن به جیب خود هستید . آقای مالی زاده ما از ظلم و ستم و خفقان حاکم بر آن جامعه و برای نجات جان خود گریخته ایم ما را تقسیم به قومیتها و ملیت ها نکنید ، ما همه انسانیم ، ما آواره نیستیم ، آقای مالی زاده تا وقتی مرز هست پناهنده هم هست . پناهنده وطن ندارد .

ما شادی می خواهیم

سیران پیکار



زندگی خودمان را نداریم حق کار کردن در بیرون خانه را نداریم و حق بیرون رفتن با دوستان خودمان را حتی نداریم ! ما از این دنیای کوچک چیزی جز آرامش و آزادی که از حقوق اولیه انسانی است را انتظار نداریم . رژیم جمهوری اسلامی از جنبش جوانان ما می ترسد چون جوانان شادی و نشاط را می خواهند و دنیای بهتری را می خواهند! و این خود بخود یعنی مرگ جمهوری اسلامی ! به این خاطر هر روز سپاه و بسیج و دیگر

در این دهکده کوچک جهانی که عصر ارتباطات اینترنتی و عصر علم و صنعت است ما در جایی کوچک به خاطر روابط جنسی که هیچ خلاقی به شمار نمی آید باید سنگسار را مشاهده کنیم شکنجه پیش روی ما باشد و ما باید خودمان را در چارچوب حجاب در یک قفس ببینیم در آن سوی دنیا انسان حق زندگی انسانی دارد ولی ما در ایران حتی حق انتخاب لباس خودمان را هم نداریم ، حق انتخاب شریک

غم و سیاهی جمهوری اسلامی را نمی خواهیم حکومت ضد زن و ضد بشر و این پدیده شوم قرون وسطایی را نمی خواهیم ما زندگی شاد و مرفهی را برای همه می خواهیم . مردم شریف ایران همه با هم به این رژیم سرکوب نه بگویم نه به اعدام نه به سنگسار و آری به شادی و آری به يك دنیای بهتر و آری به برابری انسانها .

در انتخابات آینده ریاست جمهوری زنان و مردان تشنه آزادی و برابری صندوق ها را بر سر این حکومت شوم ضد بشری و این خشن ترین پدیده مرد سالار قرن خراب خواهند کرد . ما به چیزی جز سرنگونی این رژیم رضایت نمی دهیم ما با

کمک هم این رژیم را سرنگون می کنیم تا مردم طعم آزادی و برابری را در شرایط نبود جمهوری اسلامی بچشند ما حکومت اسلامی و مذهبی را نمی خواهیم ما حکومت اعدام و شکنجه و سنگسار را نمی خواهیم ما حکومتی را می خواهیم که در آن زنان پا به پای مردان و برابر آنان در همه شئون زندگی ، برابر حضور داشته باشند و از حقوق یکسانی برخوردار باشند ما حکومتی با آزادیهای بی قیدو شرط سیاسی می خواهیم .

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی

به امید پایان حکومت برده داری جمهوری اسلامی

حکومتی همچنان در شیپور این نظام ظلم می دمند. سوال این است که آیا در اسلام قانونی به عنوان حمایت از زن آمده که آن را مردان منظور نکرده باشند؟

حکومتی همچنان در شیپور این نظام ظلم می دمند. سوال این است که آیا در اسلام قانونی به عنوان حمایت از زن آمده که آن را مردان منظور نکرده باشند؟

دارند؟ زن ایرانی در تمام حیطه های زندگی فردی و اجتماعی خود، بنا بر قانون شرع اسلام، معروض انواع و اقسام تبعیض ها و بی حرمتی هاست و زنان

ادامه از صفحه ۱۲

املاک و اموال خود می دانند و هر گونه تحقیر و بی حرمتی را به آنان روا می دارند. آیا اینها تطابقی با حقوق بشر

پناهندگی در کانادا

هومن راد



بار آن به ۲۸ جون ۲۰۰۲ برمیگردد. در آخرین تغییرات ماده يك کنوانسیون علیه شکنجه در آن مستتر میباشد. براساس این ماده اگر کسی در کشور خود در معرض شکنجه قرار گرفته باشد میتواند در کانادا پناهنده شده و دولت کانادا حق اخراج وی را ندارد.

پروسه پناهندگی در کانادا

در صورتی که فردی در یکی از مرزهای ورودی اقدام به اعلام پناهندگی نماید باید حداقل دو مدرک شناسائی که نشانه هویت اصلی شخص است به اداره مربوطه ارائه دهد. در صورت نداشتن مدارک فرد به بازداشتگاه موقت فرستاده میشود تا زمانی که هویت شخص به طور کلی با مدارک برای پلیس کانادا روشن گردد. در صورت داشتن مدارک فرد با مترجم تحت بازجویی اولیه قرار میگیرد که به صورت کاملا محدود دلایل خروج و مسیر راه سؤال میشود. بعد آن فرم مخصوصی به فرد داده میشود که توسط وکیل خصوصی و یا به درخواست پناهنده وکیل دولتی تکمیل و به دادگاه ارسال میشود تا این مدت فرد در مراکز که جهت پناهندگان در نظر گرفته شده می ماند بعد از ارسال فرم به دادگاه

بطور کلی باید مطلب را از آنجا شروع کنیم که کشور کانادا با وسعتی که دارد دارای جمعیتی محدود می باشد و به طور کلی کشوری مهاجر پذیر است

پناهندگی در کانادا

سالانه ۲۵ تا ۲۰ هزار پناهنده وارد کانادا میشوند. به گفته مقامات دولتی کانادا سالانه ۲۷۰ هزار مهاجر و پناهنده میپذیرد که ۱۰ درصد آنان را پناهندگان تشکیل میدهند. یکی از دلایل پذیرش مهاجر و پناهنده در کانادا مسئله کار است. زمانی قانون مهاجرت کانادا به نام قانون کارگری مهاجرت بود. کار و استفاده بردگی از نیروی کار مهاجر و پناهنده تاکنون نیز اساس سیاست مهاجرت و پناهندگی کانادا را تشکیل میدهد. در قرن ۱۹ چینی ها کل راه آهن کانادا را ساختند. اما در تمام این مدت به هیچ چینی اجازه داده نشد تا خانواده اش را نزد خود به کانادا آورده و حتی پس از اتمام کار ساخت راه آهن اغلب کارگران چینی را از این کشور اخراج کردند. از سال ۱۹۷۶ که قانون مهاجرت کانادا تصویب میشود تا کنون ۳۰ بار این قانون تغییر پیدا کرده است. که آخرین

عمومی و بعد آن دادگاه فرجام - دادگاه انسانی مراجعه کند که این پروسه حدود ۴ الی ۶ سال به طول میانجامد در صورت عدم موفقیت با توجه به این که مدارک شناسی فرد در اختیار دادگاه است جهت دیپورت اقدام میشود.

به طور کلی اقدام به دیپورت از طرف دولت کانادا بعد از قتل خانم زهرا کاظمی روزنامه نگار کانادای بسیار محدود بوده و فقط در ایالاتی خاص به صورت انگشت شمار انجام شده است البته در مواردی با همکاری ایرانیان در کانادا و احزاب سیاسی فعال با اعتراض انجام شده از دیپورت جلوگیری شده است.

مهمترین مشکل در کانادا تعداد پناهندگان بالاتر از حد بسیار زیاد است و مهمترین موضوع جهت جوابگویی به پرونده پناهندگی نداشتن سابقه جنایی فرد پناهنده میباشد.

با نگاهی عمومی وضعیت پناهندگی در کانادا نسبت به کشورهای دیگر نسبتا بهتر است و اقدامات کانادا جهت محکوم کردن نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی در دادگاه های جهانی بیشتر بوده است.

به امید اینکه کلیه پناهندگان بتوانند حق مسلم خود را به دست آورند

شخص مربوطه می تواند درخواست کمک مالی از دولت بنماید و اقدام به اجاره مکانی جهت زندگی برای خود بنماید حدود ۴۵ روز بعد از این اقدام اجازه کار برای او فرستاده میشود و میتواند جهت کارهای معمولی اقدام نماید

مراحل دادگاه پناهندگی

در صورتی که کارمند مربوط به امور پناهندگی تشخیص دهد که فرد پناهنده دارای پرونده کاملی میباشد و قابل بررسی در دادگاه سریع است به آنجا ارجاع میشود این دادگاه حداکثر یک ساعت است و فرد باید بتواند ظرف این مدت پاسخ گوی سئوالات باشد بعد آن بنا به تشخیص فرد مصاحبه کننده میتواند پرونده پناهندگی مورد قبول قرار گیرد یا خیر در صورت عدم موفقیت به دادگاه

حقوق زنان در جمهوری اسلامی

شهیرا قرایی

بشری، و به خصوص ضد زن هستند: قضاوت، شهادت، ارث، حقوق ازدواج و طلاق و پس از آن حضانت فرزندان، داشتن رابطه خارج از ازدواج، احکام جزایی مانند سنگسار...

غریب نیست که در عرصه اجتماعی نیز تنها زنانی امکان رسیدن به مناصب، هر چند مادی و تشریفاتی، قدرت را می یابند که ملبس به همین قماش پوسیده فکری اند. اینان نه تنها هیچ گاه بر ضد این قوانین ضدبشری اعتراض نمی کنند، که خود مروج افکار مردسالارانه

جمهوری اسلامی از بدو قدرت یابی اش سرکوب همه جانبه زنان را آغاز کرد. از تحمیل نوع پوشش به آنها گرفته تا محدود کردن آنها در انتخاب شغل و رشته دانشگاهی، جامعه را به زنانه و مردانه تقسیم کردند. در این تقسیم بندی نیمه فروتر البته زنان بودند. رژیم بر پایه ایلیولوزی ارتجاعی خود سیاست هایی در پیش گرفت که هدف آنها نهایتا جز تحقیر و به انزوا کشاندن زنان نبود. قوانین حکومتی رژیم در حالت کلی ضد

زنان ناآگاه و شکستن انسجام و اتحاد زنان برای احقاق حقوق شان می کنند. آیا اینکه دختر از سن ۹ سالگی می تواند ازدواج کند موافق حقوق بشر است؟ آیا سنگسار کردن زنان، یا نیاز زن به کسب اجازه از شوهر برای رفتن به سفر، و یا حتی انجام کوچکترین امور شخصی اش با برابری جنسی همخوان است؟ زن وظیفه تمکین از شوهرش را دارد، ولی نمی تواند مگر در شرایط بسیار خاص درخواست طلاق کند، در حالی که دست مرد برای طلاق همسرش کاملا باز است. فقط کافی است عدم تمکین زن را نشان دهد "تمکین" همان معادل محترمانه بردگی جنسی است.

سنت پیغمبرشان دریاب "تسوان" اند. طرفه اینکه این زنان در مخالفت با هر گونه بهبود شرایط زنان گوی سبقت را از مردان هم مشریشان ربوده اند. جالب است بدانیم که حتی یکی از همین خانم های نماینده در دفاع از حقوق زنان می فرمایند بهتر است ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان پیبوند (البته فقط به خاطر وجه جهانی، چون بند بند این کنوانسیون مهم نیست) چنین زنانی که مصدر تشکل های گروه ها و تشکل های دولتی قرار می گیرند با طرح این شعار که اسلام می تواند مغایرتی با حقوق بشر نداشته باشد، همه هم خود را معطوف به جلب

همبستگی هفتگی

نشریه فدراسیون
سراسری پناهندگان
ایرانی

سردبیر:
فرشاد حسینی

آدرس های همبستگی:
سایت اینترنتی:

www.hambastegi.org

پست الکترونیکی:
ifir@ukonline.co.uk

farshad-
hoseini@yahoo.com

تلفن:

0031613940534

فاکس:

0017345386165

تلویزیون همبستگی

هر سه شنبه ساعت
۲۱:۲۰ تا ۲۲

مشخصات فنی
تلویزیون:

Satellite: Telstar 12

Center frequency:
12608MHz Symbol
Rate 19279

FEC:2/3

Polarization: hori-
zontal

رادیو همبستگی
هر شنبه ساعت

21/15- 21

طول موج رادیو
۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰
کیلوهرتز